

رو به شعله ها
که می رقصند در باد
و سایه ها که نمی پابند
بدل می شوند به خیال
دستی ننوی زمان را تکان می دهد .
شکل می سازد باد
از خیال ها و
شعله های بی صدا
موج بر موج
رنگ در رنگ
شقایق ها گر می گیرند
دشت در رویایی سرخ شعله می کشد .

پیشدرآمد :

انگیزه ام از تدوین ویژه نامه مجله زنان در ستایش از " دختر(ان) خیابان انقلاب " باز پرداختن به مجموعه بحث و گفتگویی هائیکه پیرامون این اقدام جسورانه و شجاعت آمیز زنان و دختران جامعه ما در سطح شبکه های مجازی برافراشته و عده ای به نام چپ و کمونیسم به تخطئه این اقدام ستایش برانگیز پرداخته اند .

و در این نوشته تلاشم این خواهد بود که سر راست به اصل موضوع بپردازم . و نگاهم را در این رابطه در ویژه نامه مجله زنان بازگویم :

مخالفین این اقدام شجاعانه و جسارت برانگیز، در خارج از کشور سیاه روی سفید نوشته اند :

Siavash Fadai

den 4 februari kl. 11:51

«از زمانی که در خیابان روسری بر میکنند و بر دستانشان فقط ده میلیون تومان طلا آویزان است، دفاع نخواهم کرد. من یک کمونیست هستم!»

آن دیگری به نام یک زن و صد البته، به اصطلاح چپ "رادیکال" می نویسد: « فرودستانی که کارد به استخوانشان رسیده ، مشکل شان نان و مسکن است نه حجاب» و چندین و چند داعیه دیگر که بدان ها در این نوشته خواهم پرداخت.

اما ابتداء ببینیم خامنه ای بعنوان مصلح جهان اسلامی در همین رابطه مشخص چه سخنان نغزی بیرون فشانند :

خبرگزاری های رسمی رژیم اسلامی از قول او می نویسند ؛ که وی در روز هفده اسفند ۹۶ برابر هشتم مارس ۲۰۱۸، روز جهانی زن در برابر تعدادی از ستایشگران و نغمه پردازان یعنی همان مداحان بی جیره و موجب خودش در حسینیه خمینی در باره عدالت جنسی و حجاب صحبت داشت و گفت : « ... طرح مسائلی همچون «عدالت جنسیتی» در سخنان غربی ها را ظاهری و مسئله ای خالی از واقعیت دانستند و با اشاره به ادعان تعداد زیادی از زنان صاحبمقام غربی در ماههای اخیر به قرار گرفتن در معرض سوء استفاده و خشونت در جریان مسائل اداری، گفتند: « اسلام به وسیله حجاب، در را بر روی این نقطه انحراف بسته است، بنابراین حجاب اسلامی وسیله مصونیت زن است نه محدودیت او.....» در ادامه گفتند : « نظام اسلامی با فردی که در خانه خود و در مقابل نامحرم حجاب ندارد، کاری ندارد، اما کاری که در خیابان و در ملاء عام انجام می شود در واقع کار و تعلیم عمومی است و برای نظام برآمده از اسلام، تکلیف ایجاد می کند.» و به صراحت گفتند: « کار حرام، بزرگ و کوچک ندارد و آنچه حرام شرعی است، نباید به صورت آشکار انجام شود، زیرا شارع اسلامی بر حکومت تکلیف کرده مانع انجام حرام علنی شود.» ایشان گفتند: « باید جلوی هرگونه تخلف از سیاست های اسلامی گرفته شود و مسئولان باید کار را به نحوی پیش ببرند که اهداف اسلام تأمین شود نه اهداف دشمنان» . همان کلام آخر خامنه ای، فرمان آتش به اختیار را به عمله خود داده است تا بر افکندن حجاب از سر را فعل حرام بیندارند و هرگونه تخلف از فرمان شارع مقدس را حرام اندر حرام بنامند و به سرکوبش برآیند!

از اینرو خواسته ی رفع حجاب و اختیار آزادی پوشش، انکار آشکار یکی از قوی ترین پایه های مشروعیت ایدئولوژی حاکم جمهوری اسلامی ایران است که از زمان خمینی اعمال شده و خامنه ای نیز خود را مجری راه و رسم او می شناسد . نماد برپا ایستادن "دختران خیابان انقلاب" به انگیزه رودر رویی با رفع حجاب، این خواسته ی واقعی نیمه دیگر جامعه و در نوع خود عمومی یکی از قدرت مندترین عناصر هویت جمهوری اسلامی را به چالش می کشد و ایدئولوژی حاکم را، نه در چگونگی، بلکه در چیستی اش تهدید می کند. می توان گفت : آزادی پوشش یکی از حقوق پایه ای زنان است که کلیت ایدئولوژی حاکم را به زیر سؤال می کشد. ایدئولوژی که با خشونت بارترین شیوه ها این حق را بر اکثریت زنان ما طی چهار دهه دریغ می دارد. در واقع همانند حقوق دیگری است که از زنان گرفته شده و حاضر به بازپس دادن آن نیستند.

چه اتفاق افتاد؟

۱- ویدا موحد که بعد تر عنوان " دختر خیابان انقلاب" بر او نهاده شد چند روز پیش از خیزش عظیم و گسترده دی ماه ۱۳۹۶، به تنهایی و برای اول بار در خیابان انقلاب روی سکویی رفت و روسری سفیدش را به نشانه ی اعتراض به امر حجاب اجباری به اهتزاز در آورد. او را بازداشت کردند و ناپدید شد .

۲- ویدا موحد با جسارتی وصف ناپذیر ، پرچم وصول این حق یعنی نه به حجاب اجباری را به شیوه ی مبارزه ی شگفت انگیز در خیابان بر افراشت . ویدا این خواست رفع حجاب را از پس زمینه ی مبارزه ی اجتماعی و اقتصادی، به عرصه ی عمومی کشاند و به معنای دقیق کلمه،

عرصه را بر ایدئولوژی حاکم تنگ کرد و از اینرو مورد تعقیب قرار می گیرد و دستگیر می شود. مبارزه وی از فردیت عبور کرد و جنبه عمومی و تاحدی سراسری به خود گرفت

۳- جسارت حضور خانم نسرین ستوده و همسر همراهش رضا خندان بر زیر همان سکو و این که من پیگیر پرونده او خواهم بود ، موضوع را بیش از هر موقع رسانه ای نمود و به نحوی انبار باروت نارضایتی های تلنبار شده زنان را به سان جرقه ای خوش الحان به این سو و آن سوی کشور از شهری به شهری دیگر پرتاب نمود و ما با پدیده سراسری " دختران خیابان انقلاب" رو برو شدیم

۴- می توان گفت : این اقدام خود را مستقل از فراخوان " چهارشنبه های سفید" و یا رهنمون داهیانه این و آن معرفی و مرتب تکثیر و باز تکثیر کردید.

۵- اینکه خامنه ای و سایر فقهای کوچک ابدال او یکی از پس دیگری به صحنه آمده و به انکار هشت مارس بر می آیند و تهاجم به زنان در گسترده تهران بزرگ ، در دستور کار قرار می گیرد و به جای صراحت احکام فقهی ، بار دیگر نه تنها اوین بلکه منظریه ، کهریزک و زندان قرچک به کار گرفته می شوند ، نشان از به هدف خوردن شعاع العمل زنان در امر رودرویی علیه حجاب اجباری ، به مثابه ی دیواره اجبار فقهی و تا حدی حقوقی و سیاسی، بسان واقعیت ایدئولوژیک نظام اسلامی عمل کرد و بابت آن هر یک به سهم خویش هزینه پرداختند.

۶- باید نیک پنداشت که این مبارزه در برابر حکم فقهی تنها نیست بلکه مبارزه ای صد در صد سیاسی است . آنهم سیاست به معنای در هم شکستن یک واقعیت ایدئولوژیک . مبارزه ای که نظم فقهی حاکمان دین مدار را به چالش گرفته اند . مبارزه ای که امروز هم ممکن است از جانب بخشی از نیروهای چپ جامعه ، جدی انگاشته نشود و به مانند گذشته با استناد بر اولویت مبارزه اقتصادی و طبقاتی و یا مبارزه ضد امپریالیستی از اهمیت اولی به ثانوی فرا روید و به هیچ انگاشته شود که بعد تر بدان خواهیم پرداخت.

چگونه با این رخداد بس مهم، برخورد شد؟

۱- می توان گفت : پدیده " دختران خیابان انقلاب" در نگاه اول مثل هر پدیده خود جوش اجتماعی، ابتداء با نوعی سکوت و در حد دست به دست گشتن عکس ها در سطح شبکه مجازی بسنده می شد. آنگاه که کار بالا گرفت و ما خود را در برابر خیزشی دیدیم که طی ده روز ، ایران را تکان داد، این اقدام نیز گر گرفت و دامن گستر شد .

۲- بطوری که عده ای تلاش کردند از این پدیده استثنایی در برابر جعبه برقی که خانم " ویدا موحد" بررویش ایستاده بود، عکس یادگاری بگیرند . خبرنگاران رسانه های جریان اصلی، در به در دنبال خانواده ی " ویدا موحد" بودند تا با آنها مصاحبه کنند ؛ عده ای دسته گل به احترام یاد خانم " ویدا" برسر آن جعبه نهادند .

۳- پس آنگاه قوای سرکوب دست به کار شد . ابتداء به پای جعبه، ماشین مامور گشت گذاشتند . پس آنگاه بدور جعبه میله های آهنی کشیدند و بعد تر نیز بر سر آن کلاهت جوشکاری کردند تا دیگران بر آن نیایستند و شال گردن و روسری به هوا نکنند .

۴- امامان نماز جمعه و مجلسیان و دولت و قوای ضد شورش همه دست به کار خنثی کردن این آتش زبر خاکستر شدند. بطوری که دستگیری پشت دستگیری ، پرتاب کردن دختران از بالای سکو و... و اقدام اعتراضی دختران خیابان انقلاب را پایان یافته اعلام دارند.

۵- می توان گفت : حرکت جسارت آمیز دختران خیابان انقلاب ، در نگاه اول توسط فعالان جنبش زنان و فمینیست های رادیکال، برخی از احزاب و سازمان ها جدی گرفته نشد. و برای نشان دادن بی عملی خود یادآور گشتند: « حرکت تابو شکن و رادیکالی که مسیح علی نژاد و نسرین ستوده پرچمدارش باشند ، چه خواهد شد ؟ » و یا آنرا به فراخوان چهارشنبه های سفید ، یا صرف همراهی و پشتیبانی خانم ها نسرین ستوده در ایران و شیرین عبادی در خارج از کشور، دفاعی راست و زنان النگو و طلا به دست و غیر طبقاتی و ... قلمداد کردند و سکوت را بر هر نوع دفاع و ارج گذاری ترجیح داده و به تخطئه اش بر آمدند و بزرگوارانه اعلان داشتند : « فرودستانی که کارد به استخوانشان رسیده ، مشکل شان نان و مسکن است نه حجاب» من و ما را که در ستایش این دختران می نوشتیم مورد خطاب قرار دادند و بر قلم راندند: « خوشا بحال زنان مرفه که شما و نسرین ستوده، معصومه (مسیح) علی نژاد و از همه مهمتر برنده جایزه نوبل شیرین عبادی و ... دفاع جانانه می کنید» و در جایی دیگر سخاوتمندانه یاد آور شدند : « من چون میدانستم شما طرفدار زنان بورژوا هستید، خواستم نشونتون بدم ، زنان زحمتکش چه جوری مبارزه می کنند » و ... ادامه دادند : « رژیم از زحمتکشان می ترسد نه زنان بورژوا که فقط با حجاب مخالفند، چون نمی توانند لباسهای مارک دار و جواهراتشان را به نمایش بگذارند » بدین ترتیب ما هم بورژوا شدیم و هم طرفدار زنان بورژوا!!

۶- من بدون کمترین گمانه زنی طی یادداشتی در پاسخ این گونه انگاره های ذهنی نوشتیم : « گویا بعضی ها نمی بینند که رژیم ضد زن و ضد انسان ، برای ایجاد سد در برابر دختران خیابان انقلاب چه جانی دارد می کند . خاصه آنهایی که باغ زحمتکشان را بیل می زنند و چشم خود را به جرثومه فساد اسلامی، راه را بر پیشروی دختران جامعه می بندند و دفاع از دختران را به امثال شیرین عبادی ها و مسیح علی نژادها و ... می سپارند . / کما اینکه آنها نیز به سهم خویش وظیفه مندند که از حقوق زن و حق انتخاب زن در ایران منتق دفاع کنند / ... آنهایی که سکوت را بر مدافعه از دختران خیابان انقلاب ترجیح می دهند ... خود را در برابر این نظام ضد انسانی . آدمکش خلع سلاح می نمایند. از منظر من از ادیوهای شان به نوعی زیر علامت سؤال است . به مانند اینکه درواپش را می کشند و به زندانش می افکنند / می گویند ما که درویش نیستیم یا دختران خیابان انقلاب ، روی پارچه نوشتند : مرگ بر جمهوری اسلامی و یا شعار براندازانه نمی دهند و !!

۷ - من با صدای بلند اعلام می کنم و بر سر اعلان این موضع تا پای جان می ایستم : دفاع از آزادی بیان و تحرک اجتماعی هر انسانی در دل دیکتاتوری حاکم بر ایران ، دفاع از مضمون هر بیان و عقیده ای نیست ، بلکه دفاع از حق عمومی و همگانی است . همانطوری که ؛ دفاع از آزادی زندانی سیاسی و عقیدتی " درویش" ، " بهائیان " ، " دگر باشان جنسی" ، " اقلیت های ملی " و.... دفاع از گرایش فکری و سیاسی و عقیدتی آنان نیست همچنان که دفاع از زنی که روسری سفید / سیاه/ قرمز/ سبز/ بنفش خود را در خیابان برمی گیرد، دفاع از ثروت او و مدافعه در برابر چهارشنبه های سفید این و آن نیست، دفاع از آزادی و حق انتخاب زن ، همه زن های جامعه ایران و جهان ، بی هیچ حد و استثنائی است ، دفاع از امر برابری او با مرد است.

۸- دفاعی که کمونیست ها باید در صف مقدم اش باشند یک لحظه هم نباید خود را تعطیل نمایند! «کارل مارکس» بی باکانه می گوید :

« آزادی زنان معیار سنجش آزادی جامعه است... تحقیر زن یکی از ویژگی های اساسی تمدن کنونی است. هیچ کس به اندازه ی خود مرد از اسارت زن مجازات نمی شود.» لذا آملی حق ندارد، پشت نام کمونیست قلم شود و در برابر قداره بندی حجاب اجباری، آپارتاید جنسی و ستم بر زنان سکوت کند و خود را چپ و سوسیالیست هم بنامد. از چپ برای خودمان دکان دو نیش نسازیم و مدعی این نباشیم ما همچون شما نیستیم؛ بلکه " من و ما تو باغ پراز خار و خاشاک زحمتکشان هستیم " آب را گل نکنیم!

۹- من پیشتر به اعتبار هشت مارس طی مقاله ای نوشتم: « زنان جامعه ما از نخستین افشاری بودند که پرده ابهام را از روی ماهیت سیاه رژیم کنار زدند که زیر پرچم دروغین استقلال و عدالت اجتماعی، قتل عام توده ای و دفن آزادی را تدارک می دید. با این همه، انگار این مقاومت یک سویه بود و سویه دیگر آن احزاب و سازمان های چپ به حد کافی در برابر این مقاومت در کنار زنان نبوده و حتی جمع کثیری از آنان به ادعای دفاع از استقلال و حفظ انقلاب در برابر امپریالیسم، پشت زنان را در این نبرد یک سویه در آن شرایط خالی کردند. می توان نوشت؛ بخش وسیع چپ واقعا خود را کنار کشید. البته گنجی عمومی نسبت به ماهیت این رژیم و بویژه ژستهای ضد امپریالیستی "خط امام"، نقش عمده ای در این اشتباه تاریخی ایفا کرد. اما مسئله فقط این نبود، چرا که نه فقط چپ سازشکار بلکه چپی هم که در مقابل رژیم بود و به هیچ وجه قصد سازش با آنرا نداشت هم در این مبارزه لنگ می زد و در سال های بعد هم که توهم رژیم فرو ریخت، این لنگی کم و بیش ادامه یافت. ریشه این مسئله را باید در درک چپ از جنبش دموکراتیک عموما و جنبش زنان بویژه جستجو کرد. چپ ویژگی صنفی و ماهیت عمومی جنبش زنان و الزاماتی را که با خود به همراه می آورد را برسمیت نمی شناخت. بنابراین از حضور زنانی که لباس و آرایش شان، نشانی از فقر را با خود نداشت در مقابل کاخ نخست وزیری و دادگستری وحشت زده شد. چپ نمی خواست ویژگی مساله زنان را بپذیرد و تصور می کرد این مساله باید بخودی خود همراه مساله طبقاتی حل شود و هر طرح مستقلی برای حل این مساله را " فمینیسم " و پذیرش هر نوع فمینیسم را ارتجاعی می خواند. امری که امروز هم دانشمندان به نام چپ و کمونیسم حرکت مستقل " دختران خیابان انقلاب " را بر نمی تابد و سیاه روی سفید در پست های فیس بوکی و کانال های خصوصی تلگرامی خود می نویسند: " از زنانی که در خیابان روسری برمیکنند و بر دستا نشان فقط ده میلیون تومان طلا آویزان است، دفاع نخواهم کرد " و امضاء می کنند / من یک کمونیسم هستم. این اشتباهات بطور طبیعی به اشتباهات طرف مقابل دامن زده است. کار بجایی کشیده که در برخی موارد وقتی به فعالیت ها و اهداف برخی انجمن های زنان در خارج از کشور نیز دقیق شویم؛ می بینیم گویا مبارزه با مارکسیسم و سوسیالیسم یا " سازمان سیاسی" به هدف مقدم آنها تبدیل شده است! می بینیم که مسمومیت دو طرفه است و برای درمان آن همه ما باید از یکجا یعنی از مطلق گرایی پرهیز کنیم. فراموش نکنیم از ابتدای مبارزه با نابرابری ها، جانبداران جنبش مارکسیستی و جنبش سوسیالیستی در ایران و دسراسر جهان، نقش بزرگی در مبارزه برای احقاق حقوق زنان ایفا کرده اند. بعلاوه باید این مساله را هم در نظر داشته باشیم که نیاز ما دو جانبه است. این فقط جنبش سوسیالیستی نیست که نیاز دارد جنبش مبارزه برای دموکراسی را بطرف خود جلب کند. جنبش زنان نیز در مقابله با دشمنان دد خوبی همچون حاکمیت اسلامی که هزار چنگال خونریز دارد به این مدافعه نیازمند است تا نیروهای سوسیالیست را بطرف خود جلب نماید.

پرش اساسی این است که؛ چرا باید در مبارزه با چنین دشمنی، از نیرویی که هنوز هم، علیرغم اینهمه زخم های خونین و این همه ضربات، به سهم خویش از رادیکالترین و سازمان یافته ترین نیروی مبارزه با دشمن است، صرف نظر نماییم؟ خوبست یک نکته پراهمیت را از قلم نیاندازم، منظورم البته این نیست که هر جنبش فمینیستی الزاما باید سوسیالیستی شناخته شود. بلکه می خواهیم بر این نکته پای بگذاریم که واقعیات سخت در ایران و جهان، ما را و همه آنها را که برای دموکراسی، برابری و تحقق عدالت پیکار می کنند و می جنگند را بهم نزدیک می کند. آنها که تن به الزامات این واقعیت ندهند، حتما و حتما قافیه را خواهند باخت.... متاسفانه هنوز بخش های وسیعی از این احزاب و سازمان ها به نقد آن گذشته بر نیامدند.» (۱)

۱۰- می خواهم باردیگر اعلام دارم: بخشی از چپ در این کارزار از پیش خلع سلاح شده و... این بار در مقابل شیخ خانم " مسیح علی نژاد" که رسانه و تریبونی به وسعت تلویزیون آمریکا را در اختیار دارد، به یکباره خود را می بازند و یا بازنده اعلام می دارند. البته حضور و رخنه خانم " مسیح علی نژاد" واقعی است. نه تنها خود او و حتا جریانی که به واسطه ی او می تواند صدای زنان معترض به حجاب اجباری را مصادره کند و خودش را منادی دادخواهی آنان جا بزند در این میان عمل می نمایند. به گمان من خانم " مسیح علی نژاد" که از دنباله روی اصلاح طلبی محمد خاتمی و فرونشست اصلاحات مغضوب حاکمیت شد و به این طرف کوچ کرد، ابتداء با تلویزیون بی بی سی و بعد تر وی اس. ای راه یافت، بیش از هر چیز در پی همین تکثیر و باز تکثیر و تکراری که دارد اتفاق می افتد، به نظاره ایستاده و خود را بازیگر صحنه می بیند. چرا که خانم " مسیح علی نژاد"، که به رسانه و شبکه های وسیع رله کننده صدا ی خود در سطح وسیع کانال ها دسترسی دارد، هر یک شان می توانند به سادگی این جنبش را از جنبشی خود انگیزه و خرد گرا و خیابانی به جنبشی برای نمایش رسانه خود تبدیل نمایند و به این ترتیب آن بالقوه گی تکثیر و تکرار را در آن نابود و محدود نمایند. اما این خطر اگر جدی و واقعی است؛ راه حل آن پشت کردن به جنبش زنان علیه حجاب، نادیده گرفتن آن و یا تهاجم به آن و جانبدارانش نیست.

۱۱- بعبارتی این نگاه بدین معنی است در مقطع انقلاب بهمن ۵۷ و در یک شباهت تاریخی وقتی نیروهای چپ از گرایشات گوناگون نسبت به حضور برخی هواداران باقیمانده سلطنت، ساواکی ها و دارو دسته شاپور بختیار، به نوعی امکان بهره برداری و سواستفاده ی آنان از تظاهرات زنان علیه اجباری شدن حجاب در اسفند ۱۳۵۷ دیدند، تنها هشدار دادند و خود را به همین دلیل وابستگی دسته ای از زنان به کناری کشیدند. امروز اسناد و شواهد و مدارک روشن نمود در آن تظاهرات سه روزه، از یک سو همه زنان از هر گروه و طبقه اجتماعی سهیم بودند هم زنانی که با فروریزی نظام پهلوی ها، شان و منزلت طبقاتی خودشان را در انقلاب ۵۷ از دست داده بودند با الگو و آرایش در میان معترضین به حجاب اجباری حضور داشتند و از سوی دیگر هم زنان خانه دار و زحمتکش، دانشجویان دختر و پسر از صفوف گوناگون جامعه برآمده از انقلاب بهمن، همه و همه بودند. جدا از این، بدنه ی اصلی و هژمونیک زنان معترض خیابانی، زنان شاغلی بودند که پیوندها و جسارت آنها در درون مدارس، دانشگاهها و بیمارستان ها و ادارات مختلف، اتفاقا در جریان مبارزات انقلابی در دوره سقوط پهلوی ها نقش داشته و اغلب آنان چه همان زمان و چه سالهای بعد در شمار هواداران سازمانهای چپ بودند. زنانی که در جریان تظاهراتهای سالهای قبل و اعتصابهای ادارات و دانشگاهها و موسسات، در جریان فعالیت شبانه روزی در بیمارستان ها برای رسیدگی به مجروحین مبارزه ات خیابانی، در صفوف نفت و جنگ و گریز محلات در جریان یک مبارزه ی انقلابی به هم متصل شده و تماما سیاسی شده بودند. آن حد سیاسی و انقلابی که دیگر نمی خواستند به هر نوع انقادی تن بدهند. اما نیروهای چپ، همواره این گستردگی حضور میلیونی زنان را فراموش کردند. چپ ما در وحشت از "امکان سواستفاده"، یکی از مهم ترین سنگرهای انقلاب یعنی توجه به نیمه دیگر جامعه، در برابر

ارتجاع هنوز حاکم نشده ، وظیفه دخالتگری و سازمانگری خود را و نهاد زنان خیابان را به هیچ گرفت. آن هم در شرایطی که تنها و تنها این نیروی چپ جامعه بود که امکان این را داشت تا نمایندگی سیاسی این مبارزات را بر عهده بگیرد، حساسیت جدی از خودشان نشان ندادند.

۱۲- خوشبختانه در دوره اخیر، واکنش های کانون نویسندگان و حقوق دان جسوری همچون نسرين ستوده و یا نامه سرگشاده زنان مستندساز درباره دختران خیابان انقلاب به روسای سه قوه و نمایندگان مجلس اسلامی با جای دادن امضاءهای خود آورده اند : " ما زنان مستندساز به اقتضای حرفه خود شاهد نابسامانیها و کمبودهای فراوانی در حوزه زنان هستیم و همواره تلاش کرده‌ایم با حضور در سخت‌ترین موقعیت‌ها، انعکاس‌دهنده این مشکلات باشیم. اما اکنون به شدت از رفتارهای خشونت‌آمیز اعمال‌شده بر زنانی که به شکلی مسالمت‌آمیز خواهان حجاب اختیاری و حق انتخاب پوشش هستند، خشمگین و آزرده‌خاطر هستیم. قانون و شرع به مجریان و ضابطان آن مجوز نداده است تا با زنانی که بدون هرگونه خشونت، به حجاب اجباری که آن را ناعادلانه می‌دانند و معترض هستند، با ضرب و شتم، توهین و انتساب افتراهای ناروا برخورد کنند." و افزودند : " مجریان شما در برابر دیدگان شهروندان، دختران خیابان انقلاب را از سکوهایی که برای اعتراض مسالمت‌آمیزشان انتخاب کرده‌اند، به پایین پرت می‌کنند و دست و پایشان را می‌شکنند، و حتی می‌شنویم در خفا و بازداشت آنان را کتک می‌زنند. انتظار ما از شما احترام به زنان سرزمین‌مان است که همواره با مشارکت در همه امور اجتماعی برای آبادانی این کشور کوشیده‌اند. حرمت‌ها را حفظ کنید و تاب مخالفت‌های مدنی و صلح‌طلبانه را داشته باشید."

نکته قابل واری اینستکه ؛ نبرد ده روزی که ایران را در دی ماه ۹۶ لرزاند، محصول هیچ فراخوان خود ویژه ای نبود . به همین شکل فراخوان بالا رفتن بالای سکوی و یا سکوها نیز . به اهتزاز در آوردن روسری ها در قامت رسای ویدا موحد ، دختر خیابان انقلاب تجلی یافت. روسری نفرت اول اگر چه سفید بودند ، نفرت بعدی نه دنبال رو سری سفید بودند نه چهارشنبه سفید ، تا به جایی و به جریانی وصل شوند، آنها همان رنگی را که در زندگی روزمره شان به سر می کردند ، بیرون کشیدند و به چوب ها وصل کردند و تلون رنگ های سیاه ، قرمز ، سبز ، آبی و بنفش و سفید، ای بسا دیگر رنگ ها را یکی پس از دیگری به چوب کشیدند تا جلوه رنگارنگی از شال گردن ها را بنمایش آورند و خود را در برابر فرمان حاکمان نظام به نمایش نهند.

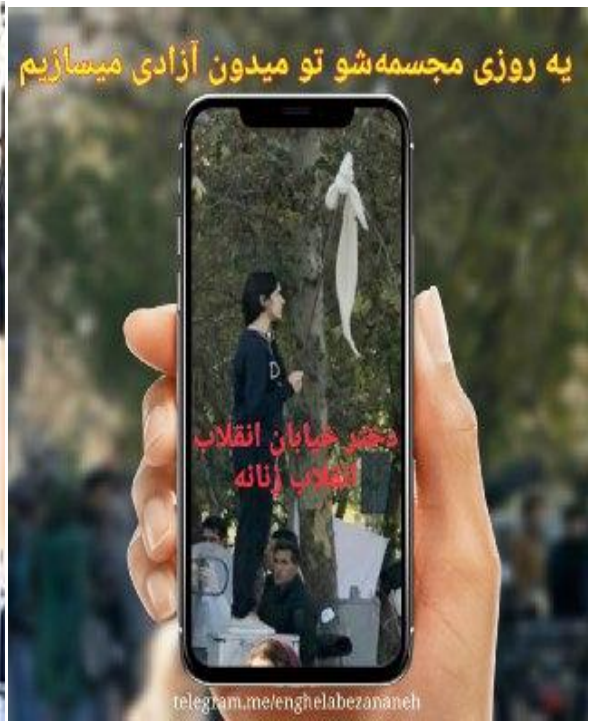
۱۳- در این دوره ستایش از شعاع العمل دختران خیابان انقلاب در سطح خارج از کشور توسط گروه‌بندی های مختلف چپ و سکولار در پاریس- سوئد (استکهلم) برپایی نمایشگاه نقاشی رفیق سودابه اردوان و گوتنبرگ نمایش خیابانی در ستایش از دختران خیابان انقلاب ، هانوفر ، کانادا - ترکیه - کویا- اسپانیا و ... دیگر نقاط را شاهد بودیم .

منبع:

امیر جواهری لنگرودی ، به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن ، مقاله نگاه عمومی به وضعیت زنان کارگر در ایران
<http://andishegbg.blogspot.se/2018/03/blog-post.html>

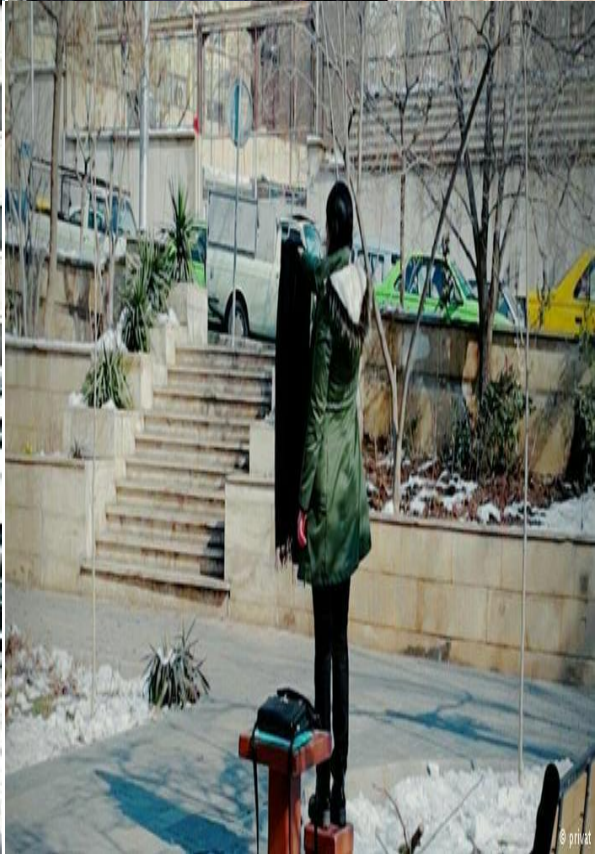




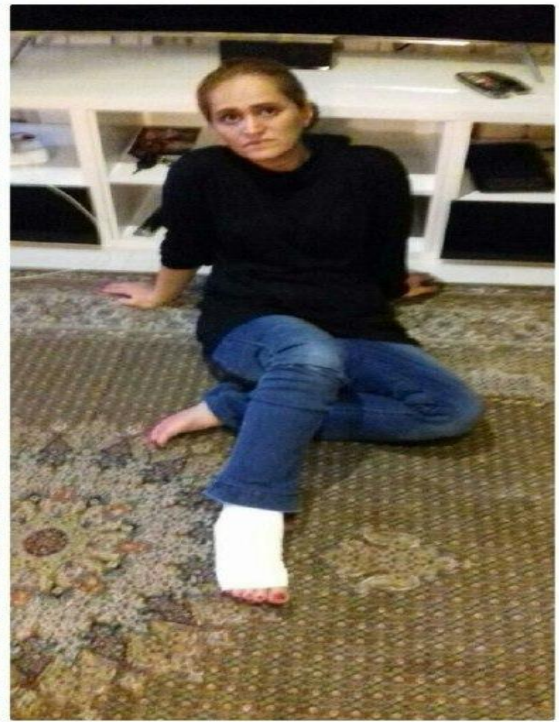
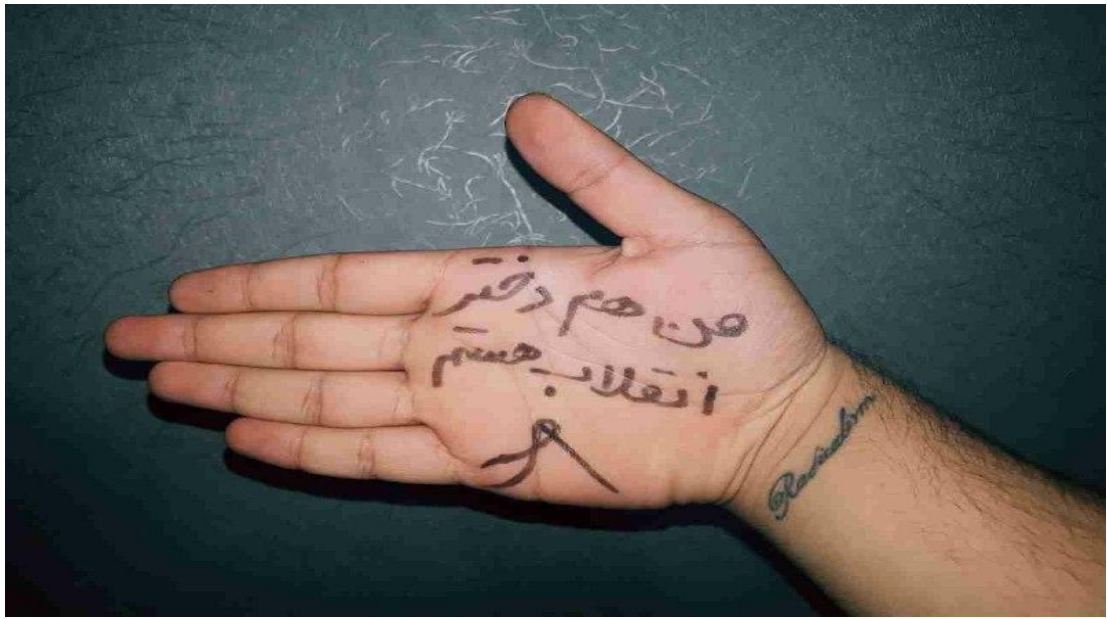












«این مردم مجازات را می بینند، اما جرم را نمی بینند؛ و از آن جا که در محل مجازات جرمی نمی یابند، پس باید از آن ها بپراسید؛ چرا که انتقام خود را خواهند گرفت»

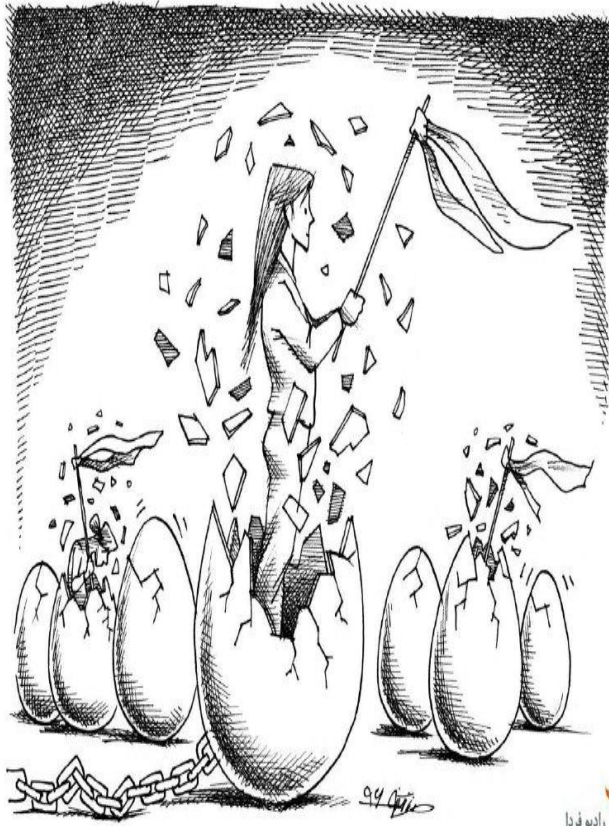
کارل مارکس

۸ مارس

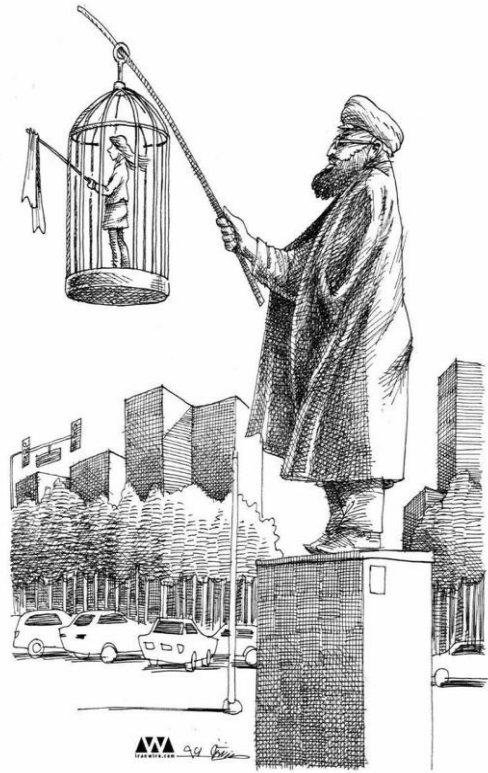
روز همبستگی زنان مبارز و عدالت خواه
گرامی باد



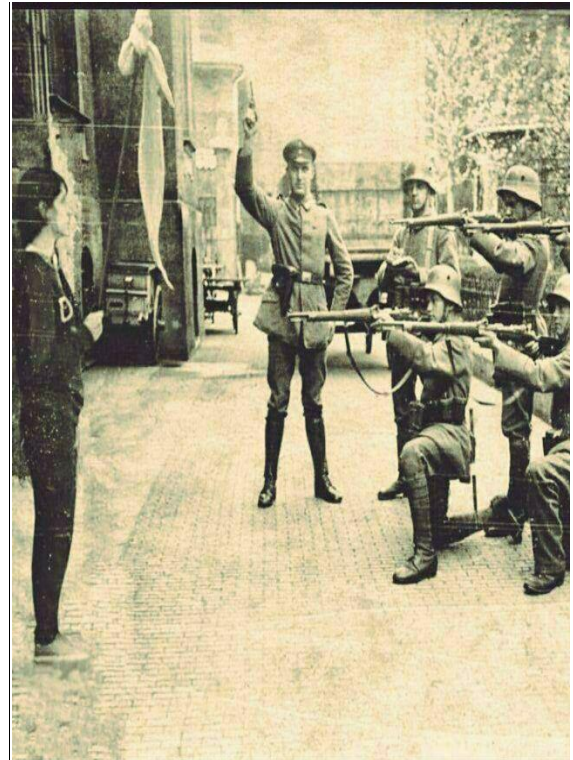
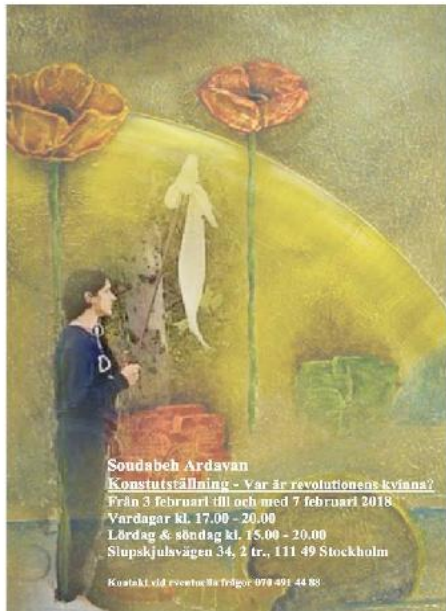




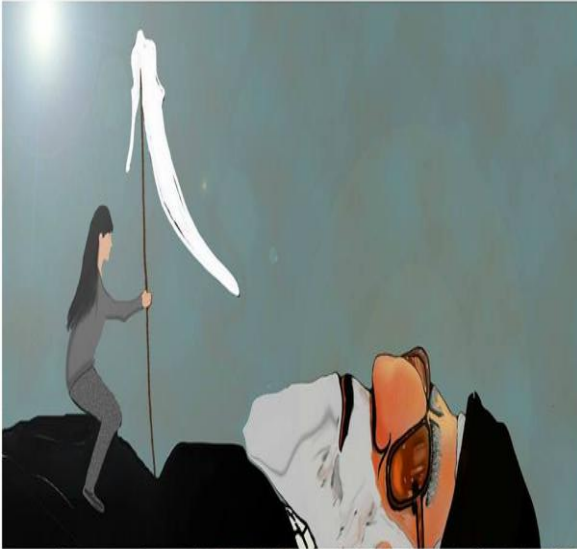
راديو فردا
 www.radiofarda.com



www.radiofarda.com









4 SÄCHSISCHE ZEITUNG POLITIK

WONTAG 5. FEBRUAR 2016

Iran: Frauen wehren sich gegen Kopftuchzwang

In der islamischen Republik gärt es: Die junge Generation protestiert gegen Bevormundung

Von MARTIN GÖTTSCHEW
SÜDKORRISPELANT

Es gilt im Iran inzwischen als Bannort. Die 30-jährige Miba Mirzadeh machte Ende Dezember weltweit für sich bekannt. Die selbstbenannte Aktivistin hat sich in einem öffentlichen Platz in Teheran auf einen Betonblock gesetzt und ihr schwarzes Kopftuch entzogen. In der Luft sah sie ein schwarzes Kopftuch hängen. Das junge Mädchen wurde von mehreren jungen Männern umringelt. Als vier Wochen später sie wieder in Teheran zurückkehrte, wurde sie von mehreren jungen Männern wieder in einer öffentlichen Straße angegriffen. Sie wurde geschlagen und geschrien, dass sie sich nicht mehr in der Öffentlichkeit bewegen dürfe.

Schwarze Frauen für Beispiel von Nachahmern an ganzen Jaha. Jeden Tag können sie sehen, dass es immer noch auf Hunderten von Frauen in Teheran, auf Studenten oder Hochschulen und auf öffentlichen Plätzen gibt. Sie sind die Frauen des Protests. Diese Frauen sind nicht nur in Teheran, sondern auch in anderen Städten des Landes. Sie sind die schwarzen Frauen.

Wie ein Lauffeuer verbreitete sich die Sache von Miba zu den anderen. In Teheran wurden die Frauen der schwarzen Frauen. Sie sind die schwarzen Frauen. Sie sind die schwarzen Frauen. Sie sind die schwarzen Frauen.

Sie hat im Kopf und in der Hand ein weißes Kopftuch. Sie hat in der Hand ein weißes Kopftuch. Sie hat in der Hand ein weißes Kopftuch.

Die Revolution ist da
Nachdem die iranische Führung die islamischen Revolutionen gegen Kommunisten, Abschwächen des islamischen Rechts und den Rückgang der Wirtschaft in den 1980er Jahren zu Beginn der 1990er Jahre mit fast 8000 Verhaftungen in Teheran und anderen Städten begann, wurde ein schwarzes Kopftuch als ein Zeichen der islamischen Revolution gegen die westliche Kultur und die westliche Kultur angesehen.

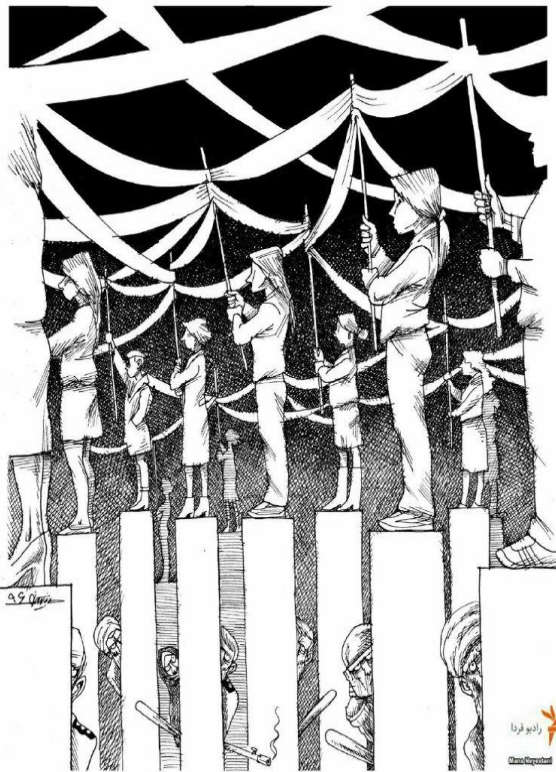
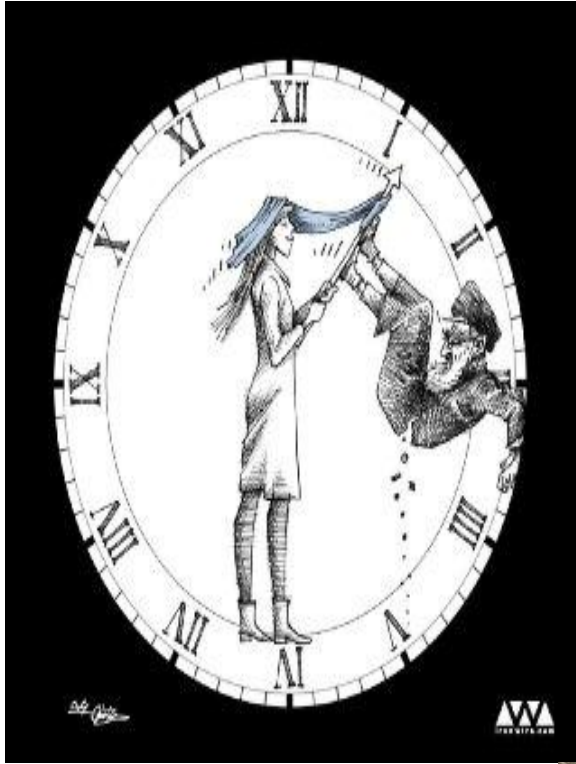
Die Revolution ist da
Nachdem die iranische Führung die islamischen Revolutionen gegen Kommunisten, Abschwächen des islamischen Rechts und den Rückgang der Wirtschaft in den 1980er Jahren zu Beginn der 1990er Jahre mit fast 8000 Verhaftungen in Teheran und anderen Städten begann, wurde ein schwarzes Kopftuch als ein Zeichen der islamischen Revolution gegen die westliche Kultur und die westliche Kultur angesehen.

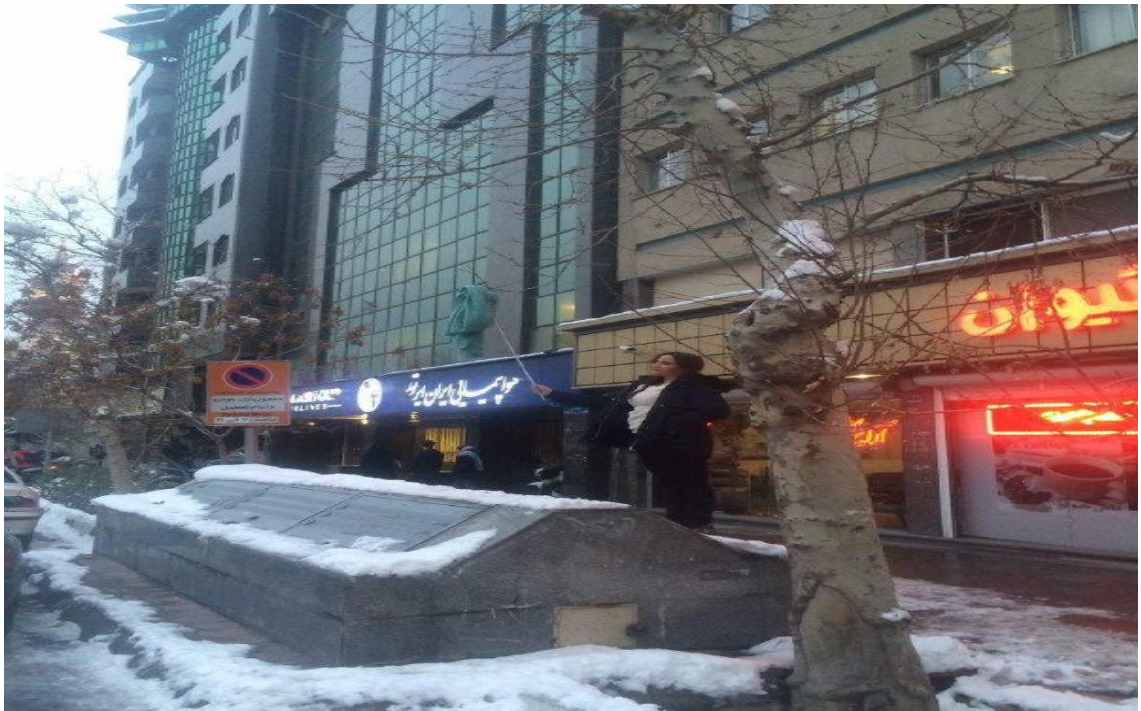
Die Revolution ist da
Nachdem die iranische Führung die islamischen Revolutionen gegen Kommunisten, Abschwächen des islamischen Rechts und den Rückgang der Wirtschaft in den 1980er Jahren zu Beginn der 1990er Jahre mit fast 8000 Verhaftungen in Teheran und anderen Städten begann, wurde ein schwarzes Kopftuch als ein Zeichen der islamischen Revolution gegen die westliche Kultur und die westliche Kultur angesehen.



من اعظم جنگجوی (ای) فعالیتهای سیاسی خود را
در حوزه زنان در حزب مجتمع زنان اصلاح طلب و
حزب کارگران به اسید اصلاحات آغاز کردم خسته
شدم... انگار باید عمل کرد شعار پس است این کار را
انجام دادم برای آزادی برای تمام قوانین و
مقرراتی که بر علیه ما زنان است و تمام عواقبش را
هم میپذیرم
و این حرکت من به هیچ سازمان یا گروه یا فردی
چه در داخل و چه در خارج از ایران مربوط نمیشود
من این کار را برای مقابله با حجاب اجباری انجام
دادم
بگذارید خوندان حجابمان را انتخاب کنیم من به
عنوان یک فرد حق انتخاب دارم...
#دختران_انتخاب









شاید این بار کاوه زن باشد
تا که فریاد نسل من باشد.
پرچمش روسری، رها در باد
مرگ ضحاک را کند فریاد !!!

زیباتر از این
ممکن نیست !



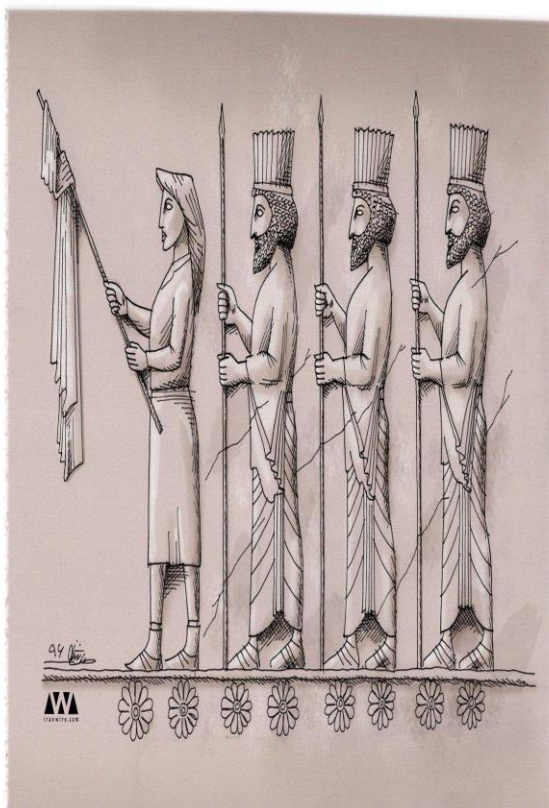


#دختران_انقلاب

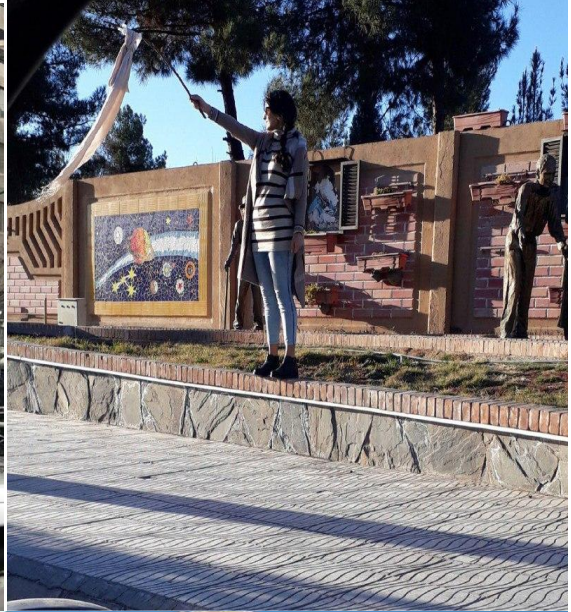
@OFFICIALREZAPHAHAVI

















#دختران-انقلاب

@OFFICIALREZAPHAVALI





حرکت اعتراضی دختر خیابان انقلاب و پسر خیابان نجات الهی هر دو در راستای گفتن «نه بزرگ» به نقش مستتر حقوق ابتدایی شهروندان ایرانی توسط نظام حاکم است.

شب ۲۹ دی زلزله ای - به بزرگی ۵.۲ در مقیاس ریشتر - ناحیه ملارد کرج را در جنب تهران بزرگ لرزاند! وقتی زمین لرزید، مردم همه از خانه ها بیرون زدن و با لباس خواب به خیابانها ریختند! از جمله همین مرد جوان که با تلوار کوتاه و زوبیر آهنی وسط سرهای سخت به حالت چمباتمه روی جبهه معابر در خیابان نجات الهی نشست و سرش را میان دو دستش گرفت!

اتفاقا فردای همان روز، پسر بالونچی دیگری برای تجدید خاطر، به پسر جوان شب گاشنه، با همان وضع و لباس روی همان جبهه معابر در خیابان نجات الهی نشست و عکس گرفت!

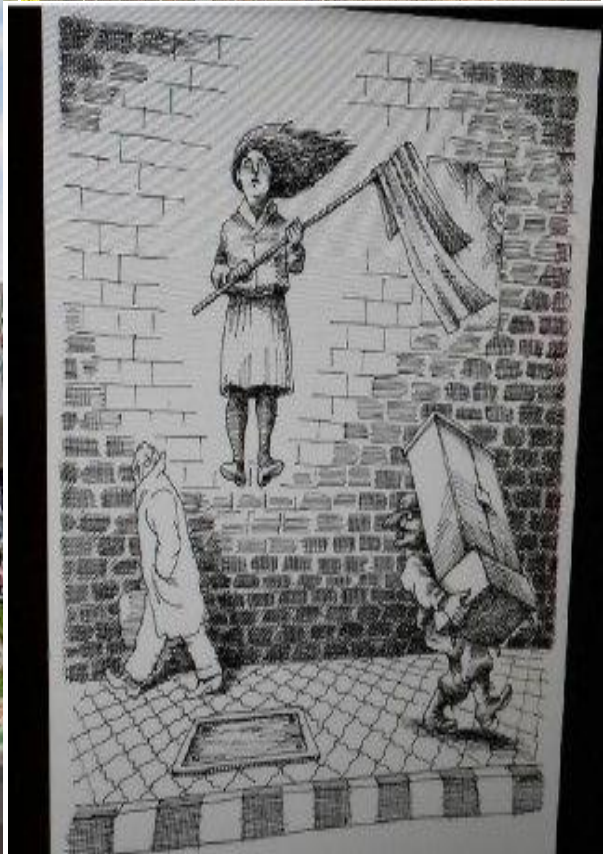
بعد از آن دختر خیابان انقلاب روی جبهه بوق ایستاد و روسری خود را در اعتراض به حجاب اجباری، سرچوب بست و عکس گرفت.

بعد دختران و پسران همین رو به رایش از پیش تکرار کردند و میکنند و خواهند کرد تا به

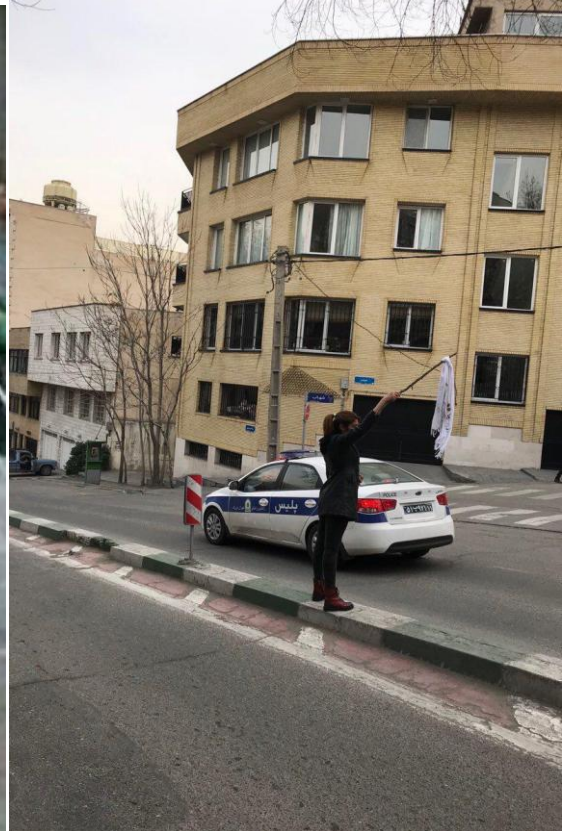
ریش آخوندهای بی دین زورگو، ریشخند ملیح بزنند!





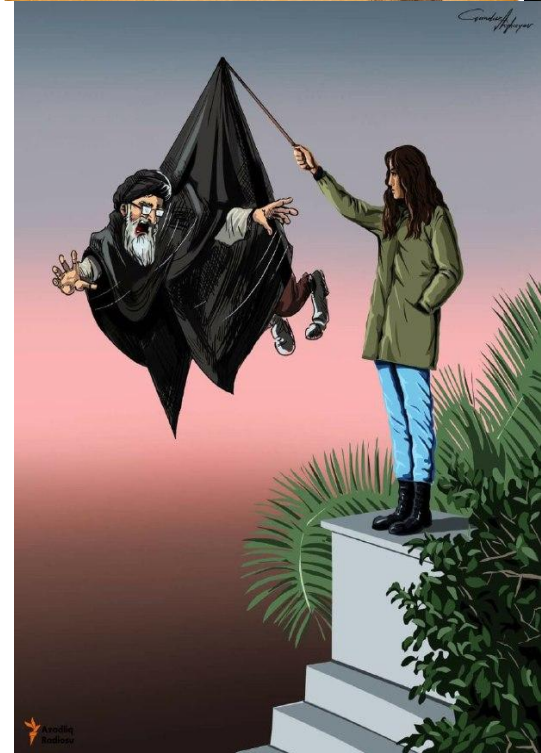
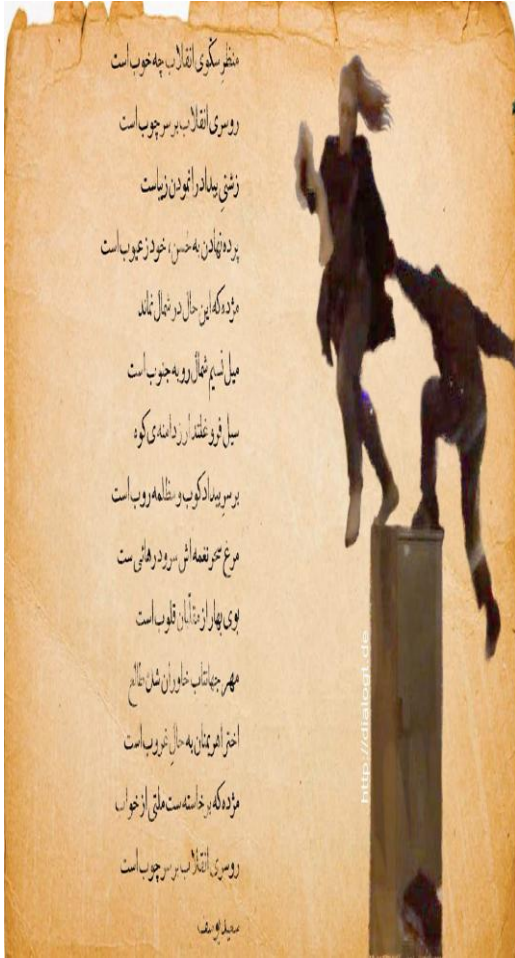


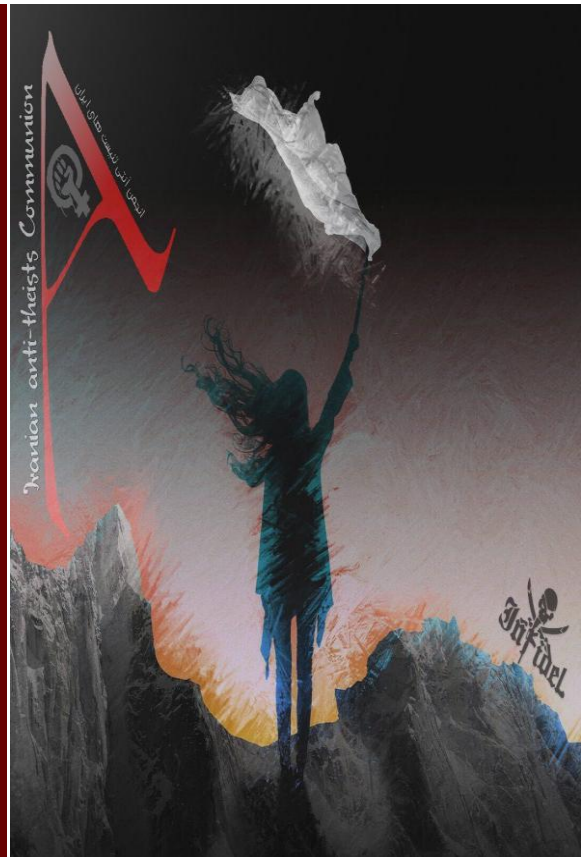
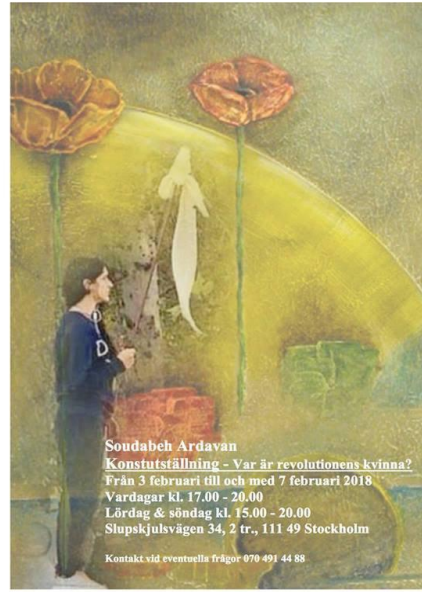


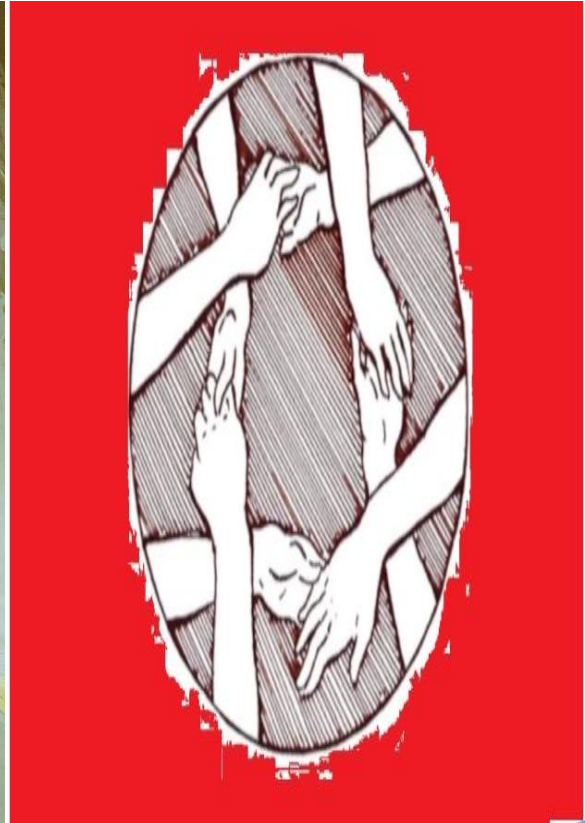
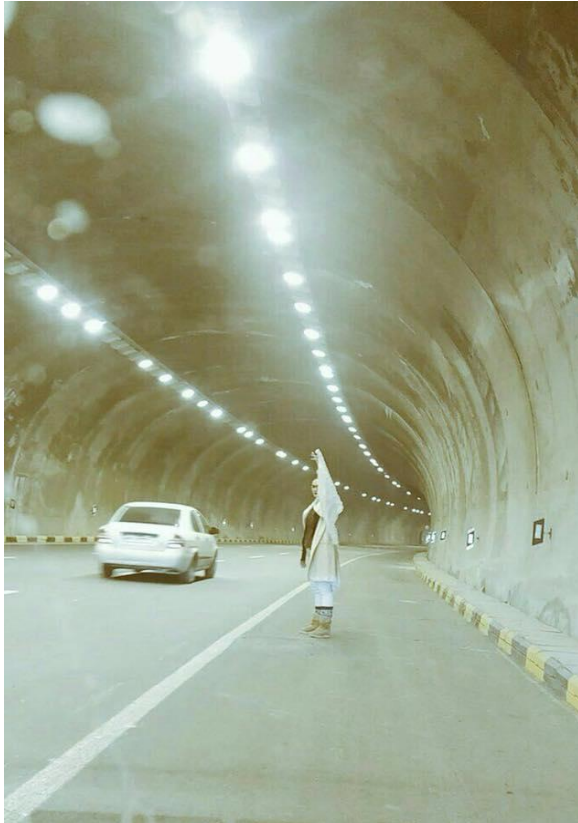














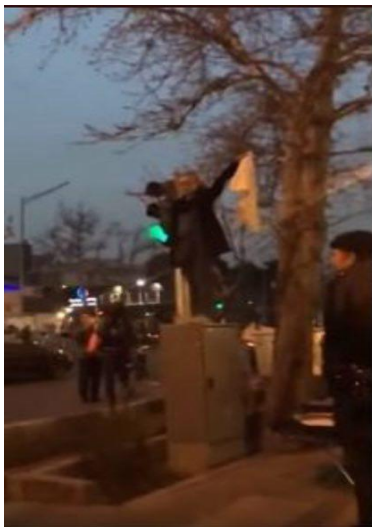
















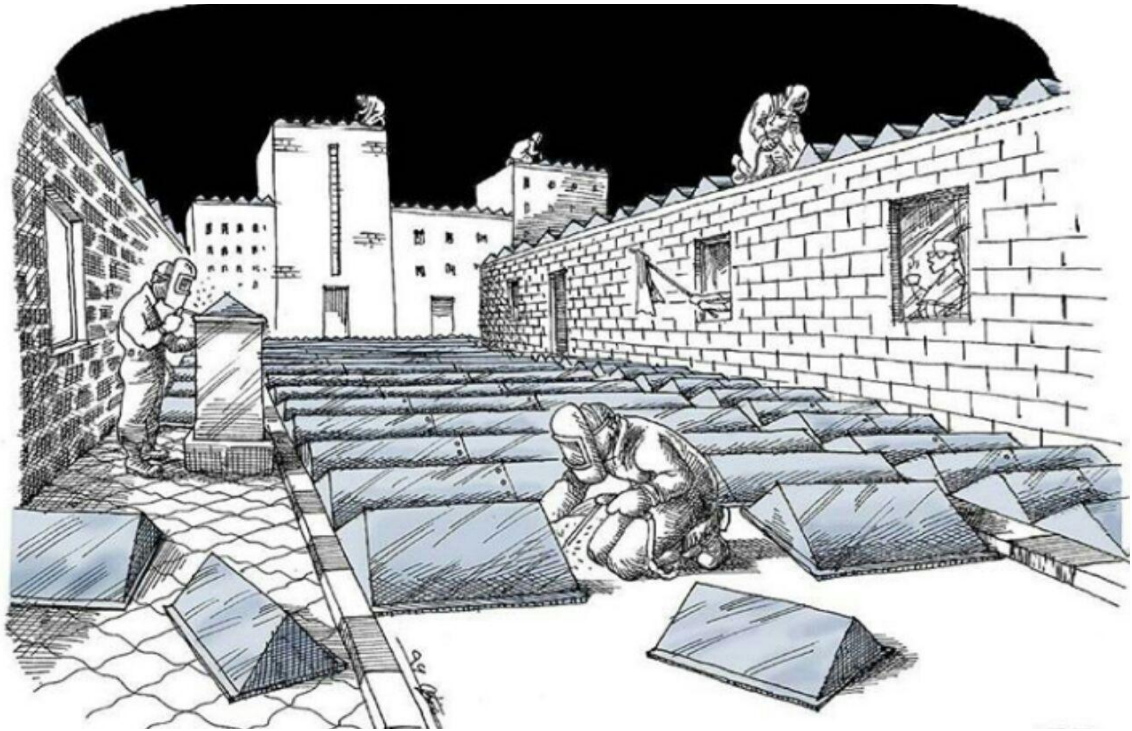












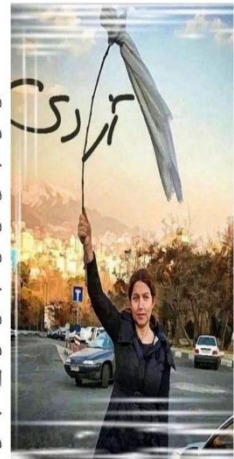


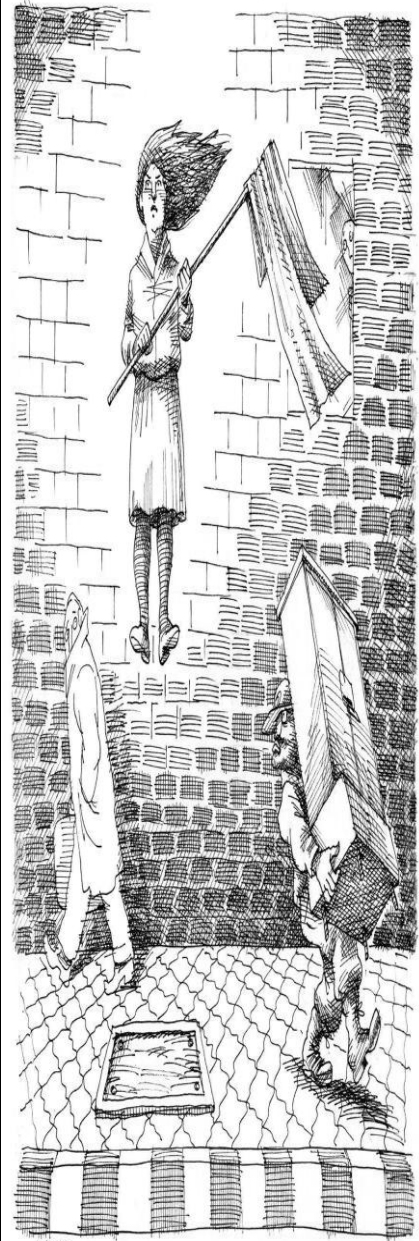
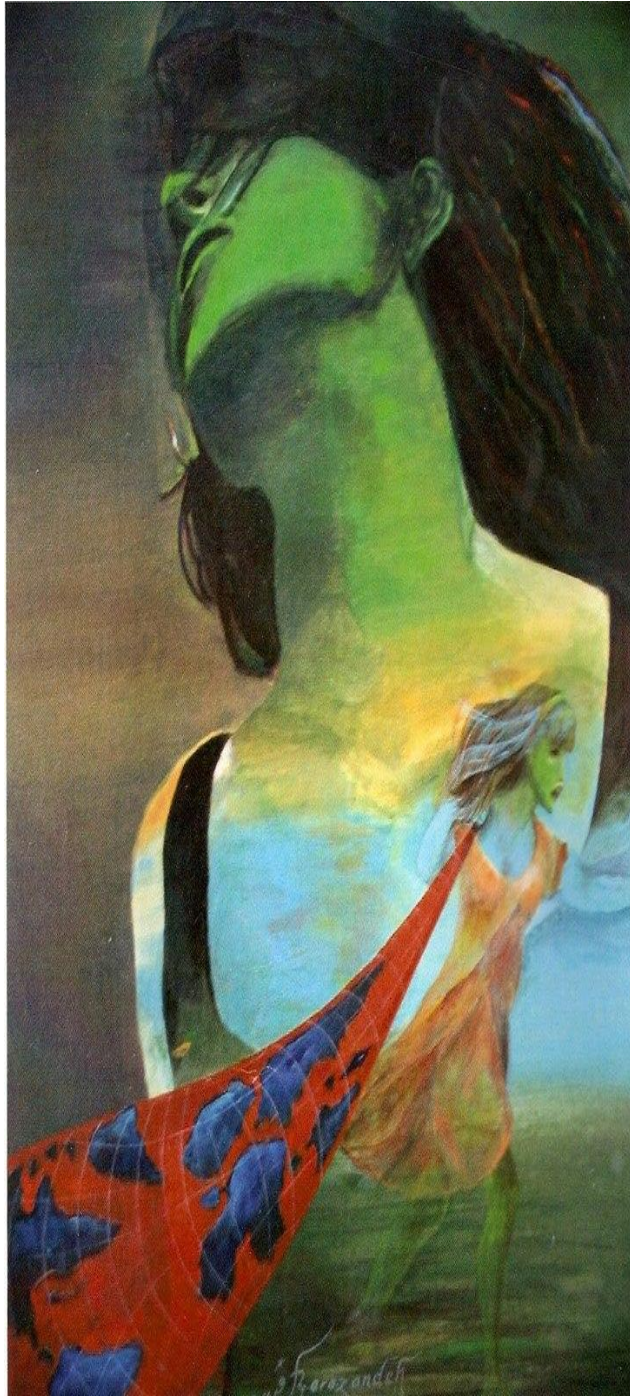
Nasrin Sotoudeh نسرين ستوده
Feb 22 at 21:43

شاپرک در بازداشت است، او دیشب در بازداشتگاه خیابان وزرا مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. ویدا موحدی و نرگس حسینی در انتظار محاکمه اند. دختران و پسران بی نام و نشان دیگری هر روز شان با ترس محاکمه و دادگاه و زندان آمیخته شده است. آن دختران یک روز در زندگی شان را بی حجاب در شهر ظاهر شده اند و آن پسران، شرافتمندانه از هموطنان شان حمایت کرده اند. سرنوشت 29 نفری که بازداشت شده اند، چه شده است؟

مامور مردی که آخرین دختر خیابان انقلاب را پرت کرد، عمل اش ایرادی نداشت؟ عمل او، غیر قانونی است زیرا نه تنها هیچ مردی حق ندارد با زنی دیگر اینگونه رفتار کند. بلکه رفتار این مامور، مشمول سو استفاده از مقام دولتی است.

زنان سرزمین مان چون رود جاری شده اند، آن ها را پرت نکنید، زندان نیافت کنید، محاکمه نکنید، آن ها جرمی مرتکب نشده اند. آن ها می خواهند تصمیم گیری در مورد پوشش شان به خودشان واگذار شود.





44/12
© 2009
© 2009
© 2009



Nasrin Sotoudeh نسرين ستوده

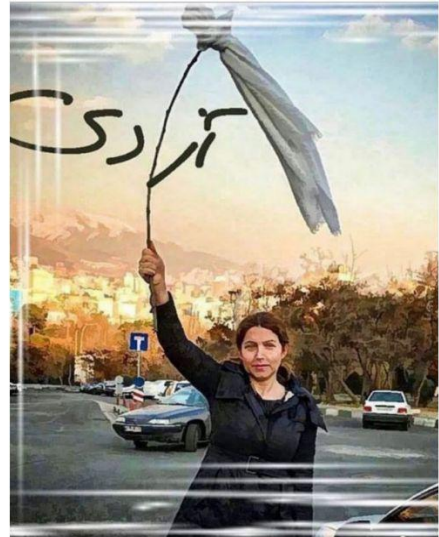
...

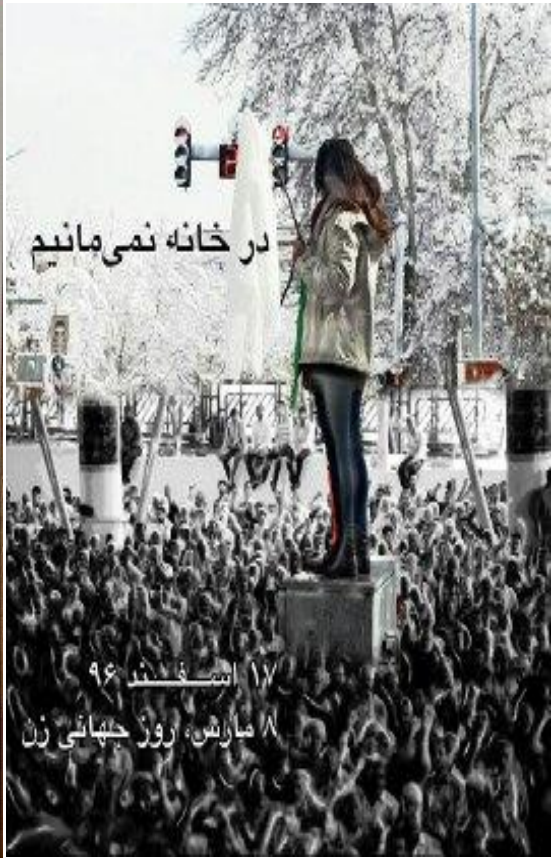
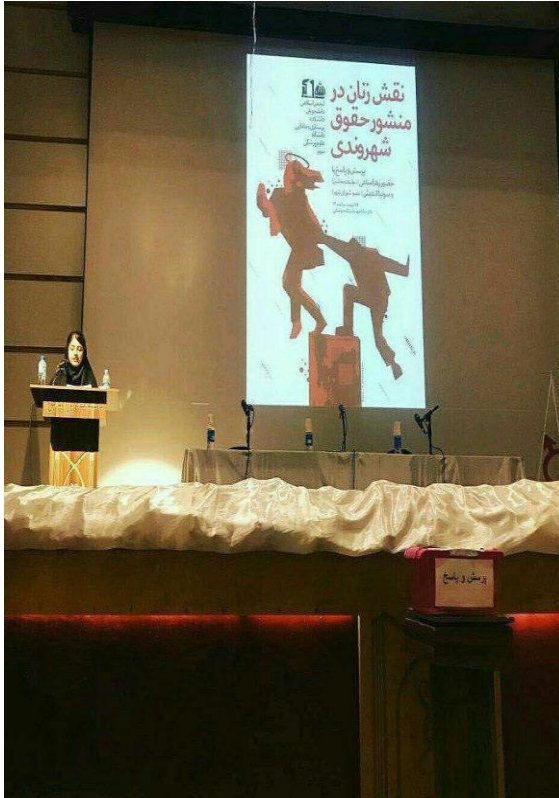
Feb 22 at 21:43 • 🌐

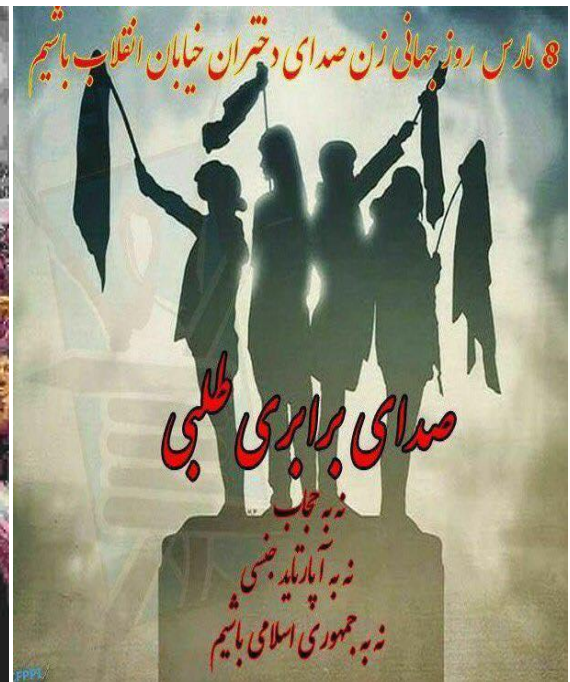
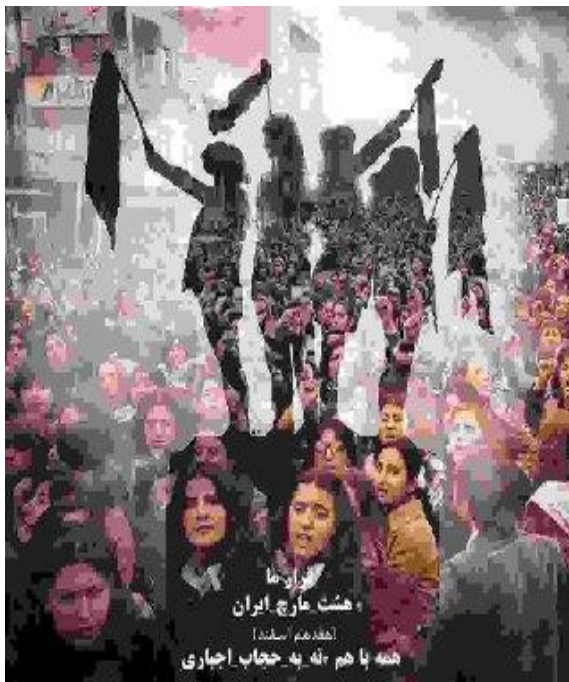
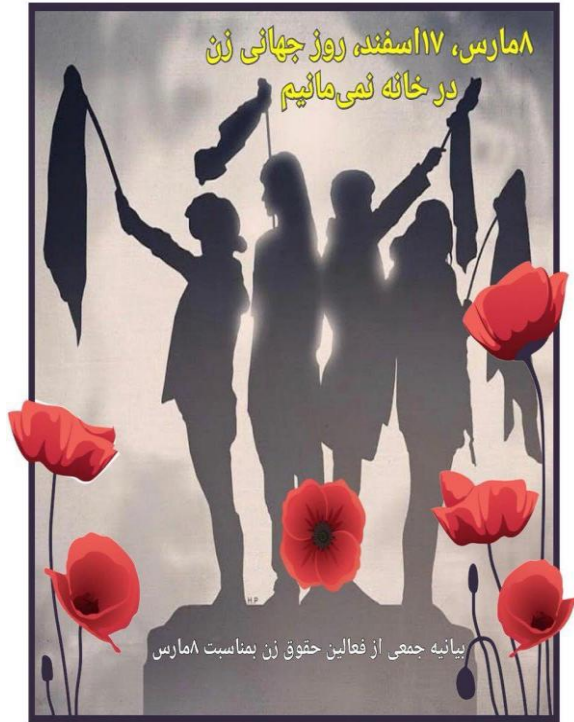
شاپرک در بازداشت است، او دیشب در بازداشتگاه خیابان وزرا مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. ویدا موحدی و نرگس حسینی در انتظار محاکمه اند. دختران و پسران بی نام و نشان دیگری هر روز شان با ترس محاکمه و دادگاه و زندان آمیخته شده است. آن دختران یک روز در زندگی شان را بی حجاب در شهر ظاهر شده اند و آن پسران، شرافتمندانه از هموطنان شان حمایت کرده اند. سرنوشت 29 نفری که بازداشت شده اند، چه شده است؟

مامور مردی که آخرین دختر خیابان انقلاب را پرت کرد، عمل اش ایرادی نداشت؟ عمل او، غیر قانونی است زیرا نه تنها هیچ مردی حق ندارد با زنی دیگر اینگونه رفتار کند. بلکه رفتار این مامور، مشمول سو استفاده از مقام دولتی است.

زنان سرزمین مان چون رود جاری شده اند، آن ها را پرت نکنید، زندان نیافکنید، محاکمه نکنید، آن ها جرمی مرتکب نشده اند. آن ها می خواهند تصمیم گیری در مورد پوشش شان به خودشان واگذار شود.







ویژه نامه مجله زنان

امیرجواهری لنگرودی / سال 1396 برابر 2018

در ستایش " دختران خیابان انقلاب " در مبارزه با بی حقوقی زنان و دختران در جامعه ایران

